

Legal and Contractual Study of Iranian Government Supervision as a Reservoir Owner of International Oil Companies

Seyed Emad al-Din Tabatabai¹, Dr. Abdolhossein Shirvi Khozani²

Dr. Mahmoud Bagheri³

Abstract

Context and Objective: Upstream oil contracts, like any other contract, consist of at least two parties. The parties to the upstream oil contracts consist of a reservoir government or the National Oil Company and the International Oil Company. Each party tries to get the most points and interest from the mentioned contracts; The authors of this article have written this article with the aim of reviewing the legal and contractual supervision of the Iranian government as the owner of the reservoir over international oil companies

Research Method: The research method of this article is descriptive-analytical. **F**indings and Conclusion : Investors or international oil companies try to get the expenses incurred in addition to their expected profit during the contract period, and instead the National Oil Company or the government that owns the reservoir (employer) tries to maintain maintenance production and To prevent serious damage to the oil reservoir, to manage the amount of oil revenues in such a way that the contractor or the international oil company does not have any revenue, and on the other hand, the interests of the country that owns the reservoir are preserved. This concern has caused the model of upstream oil contracts to move from concessions and participation in production to service contracts. In this regard, the employer or the reservoir government shall, in order to preserve the natural resources and monitor the performance and expenditures of the International Oil Company, include supervisors in upstream contracts in its favor.

The study of employer supervision in Iranian oil reciprocal sales contracts and new Iranian oil contracts called IPC will lead to a better understanding of the effectiveness of these conditions to protect the country's interests. Iran guarantees the interests of Iran.

Keywords: Cross-selling, Iran Oil Contract (IPC), Government contracts. Joint Management Committee.

1. PhD Student, Department of Public International Law, UAE Branch, Islamic Azad University, Dubai, UAE

2. Full Professor, Department of Private Law, University of Tehran (Farabi Campus), Qom, Iran (Corresponding Author) ashiravi@ut.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Private Law, University of Tehran, Tehran, Iran.



بررسی حقوقی و قراردادی نظارت دولت ایران به عنوان صاحب مخزن بر شرکت‌های بین‌المللی نفت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۶

نوع مقاله: پژوهشی

سید عمادالدین طباطبایی^۱

دکتر عبدالحسین شیروی خوزانی^۲

دکتر محمود باقری^۳

چکیده

زمینه و هدف: قراردادهای بالادستی نفت مانند هر قرارداد دیگری حداقل از دو طرف تشکیل می‌گردد، طرفین قراردادهای بالادستی نفت متشکل از دولت صاحب مخزن یا شرکت ملی نفت و شرکت بین‌المللی نفتی می‌باشد. هر کدام از طرفین تلاش می‌کنند بیشترین امتیاز و بهره را از قراردادهای مذکور در اختیار داشته باشند؛ نگارندگان در این مقاله با هدف بررسی حقوقی و قراردادی نظارت دولت ایران به عنوان صاحب مخزن بر شرکت‌های بین‌المللی نفت مقاله حاضر را به رشته تحریر درآورده‌اند.

روش‌شناسی: روش تحقیق مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است.

یافته‌ها: سرمایه‌گذاران یا شرکتهای بین‌المللی نفتی تلاش می‌کنند هزینه‌های انجام شده به انضمام سود مورد انتظار خود را در طول مدت قرارداد بدست بیاورند و در عوض شرکت ملی نفت یا دولت صاحب مخزن (کارفرما) تلاش می‌نماید علاوه بر حفظ تولید صیانتی و جلوگیری از وارد آمدن آسیب جدی به مخزن نفت میزان درآمدهای حاصل از عایدات نفتی را طوری مدیریت کند که پیمانکار یا شرکت بین‌المللی نفتی درآمد با آورده‌ای نداشته باشد و از طرف دیگر، منافع کشور صاحب مخزن نیز حفظ گردد. همین نگرانی باعث گردید است که مدل قراردادهای بالادستی نفت از امتیازی و مشارکت در تولید به سمت قراردادهای خدماتی حرکت نماید. در این راستا، کارفرما یا دولت صاحب مخزن برای حفظ منابع طبیعی و نظارت بر عملکرد و هزینه کرده‌های شرکت بین‌المللی نفت نظارت‌هایی را در قراردادهای بالادستی به نفع خود درج می‌نماید.

نتیجه‌گیری: بررسی نظارت کارفرمایی در قراردادهای بیع متقابل نفتی ایران و قراردادهای جدید نفتی ایران موسوم به IPC به شناخت هر چه بهتر کارآیی شروط مذکور جهت حفظ منافع کشور منجر خواهد شد که نظارت کارفرمایی در قراردادهای بیع متقابل به طور قابل توجهی بهتر از قراردادهای جدید نفتی ایران تضمین‌کننده منافع کشور ایران می‌باشد.

واژگان کلیدی: بیع متقابل، قرارداد نفتی ایران (IPC)، قراردادهای دولتی، کمیته مدیریت مشترک.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

۲. استادتمام، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، ایران (نویسنده مسئول)
ashiravi@ut.ac.ir

۳. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.



مقدمه:

قراردادهای بالادستی نفت ارزش مالی بسیار زیادی دارد. ارقام زیادی در طول مدت قرارداد هزینه و بازپرداخت می‌شود. طی قراردادهای مذکور مخازن نفت کشور سرمایه‌پذیر به امانت در دست شرکتهای نفتی قرار می‌گیرد، هر آن ممکن است با یک تصمیم اشتباه یا اشتباه محاسباتی مقادیر زیادی پول و یا نفت جابجا شود و حتی با اشتباه‌های فنی و مهندسی و عدم رعایت اصول تولید صیانتی خسارات جبران‌ناپذیری به مخزن وارد شود.

برای کنترل عملکرد پیمانکار و عوامل مرتبط با قرارداد، کارفرما حق نظارت و کنترل بر عملیات نفتی را تحت شرایطی برای خود محفوظ می‌دارد. حتی کارفرما با انتخاب مدل قراردادی نوع نظارت و کنترل خود بر سرمایه‌گذار را مدیریت می‌کند (Fee, Derek, ۱۹۸۵:۶۵). در راستای مدیریت منابع نفتی در کشور ایران، مطابق با ماده ۱ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱ اداره منابع نفتی به نمایندگی از دولت جمهوری اسلامی ایران در اختیار وزارت نفت می‌باشد و وزرات نفت از طریق شرکت ملی نفت ایران اقدام به اکتشاف، توسعه و تولید نفت می‌نماید.

اصولاً نظارت کارفرما یا شرکت ملی نفت ایران بر قراردادهای بالادستی در دو مرحله واگذاری و انعقاد قرارداد و مرحله اجرای قرارداد صورت می‌پذیرد. البته علاوه بر کارفرما دستگاه‌های مختلفی از قبیل مجلس، دیوان محاسبات، سازمان بازرسی کل کشور، هیأت عالی نظارت موضوع مواد ۳ و ۷ قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰ نیز از جهت حفظ حقوق بیت‌المال و مردم نظارت‌های مستقیم و غیرمستقیم بر واگذاری، مفاد و اجرای قرارداد دارند. نظارت‌های کارفرمایی در همه قراردادهای بالادستی نفت وجود دارد. در همه قراردادهای مذکور به نوعی حق نظارت و کنترل برای کارفرما یا صاحب مخزن پیش‌بینی شده است. البته، در قراردادهای امتیازی نظارت کارفرما محدودتر از قراردادهای خدماتی^۱ است. در قراردادهای امتیازی نوین که بعد از جنگ جهانی دوم بوجود آمد، قلمرو سرزمینی کاهش پیدا کرده و صاحب امتیاز متعهد به استرداد بخشی از این قلمرو در طول زمان معینی می‌گردید. نقش دولت در این نوع قراردادها افزایش پیدا کرده و کنترل و نظارت دولت از طریق کمیته



مشترک یا حضور در هیأت مدیره بیشتر گردیده بود (شیروی، عبدالحسین، ۱۳۹۳: ۳۶۱). امروزه طرفین قراردادهای بالادستی نفت معمولاً در یک فضای متعادل تر و رقابتی تر از گذشت اقدام به انعقاد قرارداد می‌نمایند. هر چند که قراردادهای مشارکت در تولید برای شرکتهای بین‌المللی نفتی بسیار جذابتر از قراردادهای خدماتی است لیکن همچنان فعالیت در این عرصه در قالب قراردادهای خدماتی نیز طرفداران زیادی دارد. با نظارت دقیق و اصولی کارفرما بر روند انعقاد و اجرای قرارداد می‌تواند منافع حداکثری را برای کشور به ارمغان آورد. از طرف دیگر نظارت‌های دست و پا گیر و یا غیراصولی و خارج از قرارداد منجر به ایجاد مشکلات زیادی در روند اجرای پروژه خواهد شد.

۱- معرفی قرارداد بیع متقابل و قرارداد جدید نفتی ایران

قراردادهای بیع متقابل یکی از روش‌های تجارت متقابل^۱ است که طی آن کالا و خدمات صادر شده و کالاهایی که متقابلاً باز خرید می‌شوند در یک فرآیند تولیدی به یکدیگر مرتبط هستند. برای مثال، یک شرکت خارجی متعهد می‌شود که از طریق عرضه ماشین‌آلات، مواد، تکنولوژی، دانش فنی و دیگر کمک‌های فنی، مالی و اقتصادی به کشور وارد کننده کمک کند تا یک واحد اقتصادی و تولیدی را راه‌اندازی کند و در مقابل موافقت می‌کند که از طریق باز خرید محصولات حاصل از پروژه مورد نظر هزینه خود را مستهلک نماید (شیروی، عبدالحسین، ۱۳۹۸: ۴۷۵). لیکن آنچه در ایران به عنوان قرارداد بیع متقابل نفتی معروف است همان قرارداد خدمات^۲ می‌باشد که باز پرداخت خدمات پیمانکار پس از بهره‌برداری از طرح و آغاز تولید از محل درآمد ناشی از فروش نفت تمام یا بخشی از محصولات تولیدی آن طرح انجام می‌گیرد. قرارداد بیع متقابل ایران یک نوع قرارداد خرید خدمات خطرپذیر است که هم برای اکتشاف و هم برای توسعه میادین نفتی در ایران به کار می‌رود. از آن جهت آن را خدمت خطرپذیر نام‌گذاری نموده‌اند که باز پرداخت هزینه‌های پیمانکار را موقوف به تخصیص بخشی از نفت و گاز تولید شده می‌نماید، بطوری که دوره باز یافت سرمایه به زمانی

1- counter-trade

2- service contract



موکول می‌شود که میدان تجاری کشف شده است (شیروی؛ ابراهیمی، ۱۳۸۸). در صورتی که میدان تجاری کشف نشود هیچ هزینه و دستمزدی به پیمانکار تعلق نخواهد گرفت. این نوع قرارداد در بند ح تبصره ۲۹ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ برای نخستین بار به کار رفت.

هیأت وزیران دولت ایران در تاریخ ۱۱ آبان ماه سال ۱۳۹۴ به استناد جزء (۳) بند (ت) ماده (۳) و ماده (۷) قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت- مصوب ۱۳۹۱ شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز را تصویب کرد. این مصوبه که مورد انتقادات زیادی واقع شد، در نهایت هیأت دولت در جلسه ۱۳ مردادماه سال ۱۳۹۵ با توجه به مفاد سیاست‌های ابلاغی بخش انرژی، بندهای (۱۲)، (۱۳) و (۱۴) سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و بندهای (۱۲)، (۱۷) و (۱۸) سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و با هدف توسعه میدان‌ها، مخزن‌ها با اولویت میادین مشترک، اجرای طرح‌های توسعه میادین، مخازن جدید از اکتشاف تا بهره‌برداری و اجرای طرح‌های صیانت از مخازن (بهبود و افزایش ضریب بازیافت) تا سقف تولید اضافه روزانه یک میلیون بشکه نفت خام و دویست پنجاه میلیون متر مکعب گاز طبیعی، شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت تصویب گردید. در این مصوبه قراردادهای به سه دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول قراردادهای اکتشاف و در صورت کشف میدان یا مخزن تجاری، توسعه میادین یا مخزن تا مرحله بهره‌برداری تا مدت مقرر در قرارداد است. دسته دوم، قراردادهای توسعه میدان‌ها یا مخزن‌های کشف شده و در ادامه، بهره‌برداری از آنها به ترتیب و تا مدت مقرر در قرارداد می‌باشد. دسته سوم، قراردادهای انجام عملیات بهبود یا افزایش ضریب بازیافت در میدان‌ها یا مخزن‌های در حال بهره‌برداری بر پایه مطالعات مهندسی مخزن و در ادامه، بهره‌برداری از آنها به ترتیب و تا مدت مقرر در قرارداد می‌باشد. تفاوت عمده‌ای که قراردادهای جدید با قراردادهای بیع متقابل دارد این است که در این مصوبه اجازه داده شده است که قراردادهای نفتی تا مرحله بهره‌برداری نیز ادامه پیدا کند این در حالی است که پس از تصویب قانون نفت ۱۳۵۳ صراحتاً مرحله بهره‌برداری از مشارکت شرکت‌های نفتی خارج گردید. در بخشهای بعدی این پژوهش به طور تفصیلی به بررسی این تصویب‌نامه پرداخته خواهد شد.



۲- نظارت کارفرمایی در مرحله واگذاری

واگذاری قراردادهای دولتی اصولاً از طریق قانون برگزاری مناقصات صورت می‌گیرد. قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ مانند خیلی از قوانین کشورهای دیگر در راستای جلوگیری از واگذاری‌های ناعادلانه شیوه واگذاری رقابتی را پیش بینی نموده است. بند الف ماده ۲ قانون مذکور مقرر داشته است، «مناقصه فرآیندی است رقابتی برای تأمین کیفیت مورد نظر (طبق اسناد مناقصه)، که در آن تعهدات موضوع معامله به مناقصه‌گری که کم‌ترین قیمت متناسب را پیشنهاد کرده باشد، واگذار می‌شود.» قانون برگزاری مناقصات در صدد رعایت عدالت، شفافیت، بی‌طرفی، تضمین رقابت و تقلیل موارد ترک تشریفات مناقصه نظام‌مند بوده (شیروی، ۱۳۹۹: ۲۳۵-۲۴۴) و هدف آن تأمین نیازهای معمولی ادارات و دستگاه دولتی و فرآیند خرید آنها بوده است. این در حالی است قانون برگزاری مناقصات ظرف مناسبی برای قراردادهای پیچیده نفتی برای توسعه و تولید میدان‌های بزرگ نفتی را نمی‌باشد.

شرکت ملی نفت ایران قبل از تصویب قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ مطابق با آیین‌نامه معاملات داخلی خود نسبت به واگذاری قراردادها اقدام می‌نمود. استفاده از آیین‌نامه شرکت ملی نفت ایران با تصویب قانون برگزاری مناقصات متوقف گردیده، لیکن پس از تصویب قانون وظایف و اختیارات وزرات نفت مصوب ۱۳۹۱ امکان استفاده از آن مطابق با ماده ۱۱ قانون مذکور صرفاً جهت واگذاری و اجرای طرح‌های مربوط به اکتشاف، توسعه، تولید، تعمیر و نگهداشت میادین مشترک نفت و گاز با تأیید وزیر نفت فراهم گردید. اساساً واگذاری قراردادهای نفتی در قالب دو روش کلی صورت می‌گیرد. روش اول که به درب باز^۱ معروف است، روشی است که در هر زمانی که صلاح باشد، فرمت قراردادی مورد نظر کشور صاحب مخزن مبنای مذاکره با متقاضیان یا سرمایه‌گذاران داوطلب قرار می‌گیرد و طرفین از طریق مذاکره شروط مورد نظر خود را در چارچوب فرمت قراردادی نهایی نموده و قرارداد نهایی منعقد می‌گردد. روش دیگر، روش اعلامی و رقابتی^۲ است. در این روش بر مبنای یک فرآیند رقابتی و ضوابط معین شده سرمایه‌گذار صلاحیت‌دار انتخاب می‌گردد.

1- open-door

2- rounds of award



فرآیند رقابتی اصولاً در قالب مناقصه و مزایده صورت می‌پذیرد. در اغلب کشورها ترکیبی از دو روش مذکور را برای واگذاری قراردادهای مورد استفاده قرار می‌گیرد. (Cameron, Peter, D AND Michael C. Stanley, 2017: 112)

در قانون مناقصات مصوب ۱۳۸۳ اجازه داده شده است که تحت شرایطی از شیوه ترک تشریفات مناقصه استفاده گردد. در کشور عراق قراردادهای خدمات نفتی موسوم به قراردادهای خدمات فنی^۱ را از طریق فرآیند شفاف و رقابتی و برگزاری مناقصات توسط وزارت نفت دولت عراق واگذار می‌گردد. (B Strong, Christopher, 2016, 127) شایان ذکر است که دولت عراق فرمت‌های قراردادهای بالادستی نفت را برای اطلاع مردم منتشر می‌نماید. برای مثال فرمت جدید قراردادهای خدمات نفتی برای اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری و توسعه و بهره‌برداری در سال ۲۰۱۸ منتشر شده است.^۲ این در حالی است که تمام قراردادهای نفتی منعقد قبل از انقلاب اسلامی از زمان رویتر (۱۲۵۱) و داریسی (۱۲۸۰) تا قرارداد پیمانکاری آجیپ (۱۳۵۳) به آگاهی عمومی می‌رسید. اما قراردادهای نفتی منعقد بعد از انقلاب اسلامی محرمانه تلقی شد (درخشان، ۱۳۹۲: ۸۰).

اغلب قراردادهایی بالادستی نفتی که برای توسعه یا توسعه و تولید همزمان میدان‌های نفتی در ایرن از طریق مذاکره منعقد گردیده است. پس از مذاکره و توافق بر شرایط قرارداد از جمله نرخ بازگشت سرمایه، برنامه جامع عملیات توسعه و شروط دیگر طرفین اقدام به امضای توافق‌نامه^۳ می‌نمایند. شرکت ملی نفت ایران به نمایندگی وزارت نفت از طریق شرکتهای متخصص اقدام به شناسایی میدان نفتی و تحصیل اطلاعات لازم در خصوص میداین نفتی کشور می‌نماید. این مطالعات شامل نوع نفت، لایه‌های نفتی، تخمین میزان نفت و غیره می‌باشد. امروزه حفاری چاه‌های ارزیابی^۴ هنوز هم تنها راه تشخیص نفت و وضعیت زمین‌شناسی مخزن می‌باشد. از طریق چاه‌های ارزیابی وضعیت فشار مخزن اندازه‌گیری

- 1- Technical Service Contracts
- 2- Exploration, Development and Production Contract and Development and Production Contract.
- 3- Heads of Agreement
- 4- Appraisal well



شده و نمونه سنگهای موجود در عمق زمین آنالیز و بررسی می گردد. ارزیابی میدان نفتی از طریق حفاری چاههای ارزیابی روش بسیار پرهزینه‌ای است، اما این امر برای مطالعات زمین‌شناسی، ژئوفیزیکی، ژئوشیمی ضروری می باشد. (Rouzaut, Nadine Bret and (Pierre Favennec, Jean, 2011:66

مرحله انعقاد یا واگذاری قرارداد، فرصتی مناسبی است که کارفرما بتواند پیشنهادهای شرکت‌های معتبر را بررسی نموده و با استفاده از قدرت چانه‌زنی^۱ مقدمات یک قرارداد مناسب را فراهم نماید. به عبارت دیگر، می‌توان گفت دوره مذاکرات یکی از طولانی‌ترین زمانهایی است که کارفرما می‌تواند با استفاده از تیم حرفه‌ای در این مذاکرات حضور یافته و قراردادهای برد-برد^۲ منقعد نمایند.

۳- نظارت بر روند حسابرسی و حسابداری

موارد مالی و اسناد و مدارک مرتبط با آن از جمله مهترین بخش‌های یک قرارداد است. در قراردادهای بیع متقابل نفتی، پیمانکار متحمل هزینه‌هایی نفتی شامل هزینه سرمایه‌ای^۳، هزینه غیرسرمایه‌ای^۴ و هزینه تولید^۵ می‌شود و سپس، این هزینه‌ها با لحاظ حق الزحمه^۶ و هزینه بانکی^۷ از طرف کارفرما به پیمانکار بازگردانده شود. بنابراین، نگهداری اسناد مالی و حسابداری و نظارت بر هزینه‌کردها بسیار اهمیت پیدا می‌کند. برای رسیدن به این هدف معمولاً در قراردادهای بیع متقابل، پیمانکار متعهد می‌شود دفاتر و اسناد معتبر مالی پروژه را نگهداری و محافظت نماید به طوری که در هر زمانی که کارفرما مراجعه کند در اختیار او قرار دهد. پیمانکار متعهد است صورت وضعیت سالانه^۸ ظرف سه ماه پس از پایان سال مالی به

- 1- bargaining
- 2- win-win
- 3- Capex
- 4- Non- Capex
- 5- Opex
- 6- Remuneration Fee
- 7- Opex
- 8- annual statement



کارفرما ارائه نماید. همچنین، پیمانکار موظف است صورت وضعیتهای فصلی^۱ شامل بدهی‌ها و مطالبات جهت تأیید و بررسی هزینه‌ها به کارفرما ارائه نماید. کارفرما می‌تواند از طریق یک حسابرس مستقل نسبت به بررسی اسناد و تأیید هزینه‌ها و مطالبات مرتبط با عملیات نفتی اقدام نماید. به طور کلی می‌توان گفت، در مدل قرارداد بیع متقابل، شرکت ملی نفت ایران حق دارد کیفیت خدمات، تجهیزات و مواد را بررسی کرده و بهای این خدمات، تجهیزات و مواد و همچنین، صورت حساب‌ها و هزینه‌های مربوطه و ارائه شده از طرف پیمانکار، پیمانکاران فرعی و شرکت‌های تابعه پیمانکار را از طریق متخصصان و بازرسان مورد اعتماد خود بررسی، ارزیابی و بازبینی کند تا اطمینان حاصل نماید که کیفیت خدمات، تجهیزات و مواد استفاده شده در عملیات توسعه و فعالیتهای بهره‌برداری منطبق با استانداردها و الگوهای بین‌المللی صنعت نفت است و قیمت‌ها، صورت حساب‌ها و هزینه‌های مربوط به این خدمات، تجهیزات و مواد، صحیح و منصفانه می‌باشند. علاوه بر نظارت‌های کارفرما بر دفاتر و اسناد حسابرسی که البته، کمیته مدیریت مشترک^۲ این اختیار و وظیفه را دارد، لیکن کارفرما از باب حفظ و اجرای حقوق حاکمیتی خود می‌تواند اسناد و مدارک مثبت مالی پیمانکار را در اختیار داشته و آنها را بررسی و تأیید نماید. در صورتیکه وجود ابهامات در اسناد مذکور، پیمانکار موظف است ظرف مدت مقرر نسبت به رفع ابهام اقدام نماید، در صورتی که پیمانکار توجیه قابل قبولی برای کارفرما ارائه ننماید و نظر کارفرما را نیز نپذیرد، در این صورت موضوع اختلاف به کارشناس ثالث ارجاع خواهد شد.

در مدل جدید قراردادهای نفتی ایران، پیمانکار موظف است اسناد و مدارک حسابرسی را برای بررسی و حسابرسی در اختیار شرکت ملی نفت ایران قرار دهد. اسناد و مدارک مذکور اساساً شامل اسنادی است که مرتبط با هزینه‌های نفتی تعهد شده و یا پرداخت شده و نیز حق الزحمه بدست آمده و میزان و ارزش تمامی نفت تولید و ذخیره شده و نیز تحویل شده در نقطه تحویل خواهد بود. طبق این مدل قراردادی، پیمانکار موظف است هر ماه صورت وضعیت هزینه‌های مذکور را جهت تأیید و بررسی به شرکت ملی نفت ایران ارائه نماید.

1- Quarterly statement

2- Joint Management Committee (JMC)



۴- نظارت بر واگذاری قراردادهای فرعی

پیمانکار اصلی بخش ناچیزی از قرارداد را راساً توسط عوامل خود انجام می‌دهد. اکثر کارهای موضوع تعهد پیمانکار اصلی از طریق برون سپاری به پیمانکاران فرعی انجام می‌پذیرد. عدم نظارت کارفرما بر نحوه انتخاب پیمانکاران فرعی و مفاد قرارداد آنها می‌تواند علاوه بر تأخیر در اتمام پروژه، هزینه‌های زیادی را نهایتاً به پیمانکار اصلی و کارفرما تحمیل نماید.

مطابق ضمیمه رویه هماهنگی^۱ پیمانکار می‌بایست در فرآیند واگذاری قراردادهای فرعی تأیید لیست‌های مناقصه‌گران و فروشندگان کالا، اسناد مناقصه (شامل مفاد و شرایط فنی، قراردادی، بازرگانی و مالی قرارداد فرعی)، تأیید ارزیابی فنی، قراردادی و بازرگانی شامل پیشنهاد گشایش (پاکت) فنی و بازرگانی، تأیید پیشنهاد واگذاری مناقصه قرارداد فرعی را از شرکت ملی نفت ایران اخذ نماید. جهت تسهیل در این موضوع، شرکت ملی نفت ایران در تمامی جلسات هیأت مناقصه پروژه قرارداد شرکت خواهد نمود.

برای قراردادهای فرعی با بهای بیش از میزان مشخص شده در قرارداد (۱۰۰ هزار دلار برای قراردادهای خرید و ۵۰۰ دلار برای قراردادهای پیمانکاری) پیمانکار موظف است اسناد مناقصه را تهیه و به تأیید کارفرما برساند. پس از برگزاری هر کدام از مناقصات مربوطه به واگذاری قراردادهای فرعی، پیمانکار پیشنهاد واگذاری قرارداد به طرف برنده مناقصه را به همراه ارزیابی‌های فنی و بازرگانی پیشنهادهای واصله به شرکت ملی نفت ایران تقدیم خواهد کرد. کارفرما حق رد یا تصویب پیشنهاد پیمانکار را خواهد داشت. البته در صورتی که ظرف مدت مقرر نظر خود را اعلام نکند، موافقت وی مفروض است. چنین فرضی با توجه به حجم بالای مناقصات مربوط به قراردادهای فرعی جهت جلوگیری از ایجاد تأخیر در فرآیند اجرای قرارداد پیش بینی شده است. بررسی و تصویب واگذاری قراردادهای فرعی توسط کارفرما شفافیت مالی را که از اصول مهم واگذاری قراردادها می‌باشد، تضمین خواهد کرد.

شرکت ملی نفت ایران و پیمانکار می‌بایست هر سه ماه یک بار به منظور تجدیدنظر و به‌روز کردن لیست‌های فروشندگان باهم ملاقات کنند، لیست‌های به‌روز فروشندگان باید ظرف مدت چهارده (۱۴) روز از پایان جلسه، توسط شرکت ملی نفت ایران مورد بررسی و تأیید

1 - Coordination Procedure.



قرار بگیرد. این لیست به روز فروشندگان از تاریخ تأیید شرکت ملی نفت ایران معتبر و موثر خواهد بود و کلیه پیمانکاران فرعی باید در جریان این لیست به روز شده فروشندگان قرار گیرند. پیمانکار(ان) فرعی بدون اخذ مجدد تأیید شرکت ملی نفت ایران می‌توانند تجهیزات، مواد و تدارکات مورد نیاز خود را از این فروشندگان تهیه نمایند.

پیمانکار اصلی به منظور انعقاد قراردادهای فرعی توسط خود یا پیمانکاران وابسته یا پیمانکاران فرعی، لیستی از شرکت‌های پیمانکار دارای صلاحیت برای حضور در مناقصات^۱ را تهیه و برای تصویب به شرکت ملی نفت ایران ارائه خواهد کرد. تنها شرکت‌هایی مجاز به شرکت در مناقصات هستند که در این فهرست‌ها حضور داشته باشند. استفاده از این فهرست‌ها برای قراردادهای فرعی پیمانکاری که مبلغ آن‌ها فراتر از مقدار مشخص شده در قرارداد باشد، الزامی است (خالقی، ۱۳۹۴: ۷۵).

مطابق بند «ج» ماده ۸ مصوبه هیأت دولت در خصوص شرایط عمومی قراردادهای نفتی مصوب ۱۳۹۵ به جزء مدیریت مجموعه پیمان و انجام مطالعات مهندسی مخزن که به دلیل حساسیت بالا، الزاماً می‌بایست توسط شرکت نفتی صاحب صلاحیتی به عنوان پیمانکار اصلی، طرف قرارداد با شرکت ملی نفت ایران صورت گیرد. انجام سایر اقدامات مندرج در قرارداد می‌تواند به پیمانکاران و سازندگان صاحب صلاحیت داخلی و خارجی واگذار گردد. بند «ج» ماده ۸ مصوبه مذکور مقرر می‌دارد: «ج- انجام تمامی اقدامات مندرج در قرارداد (به جز مدیریت مجموعه پیمان و انجام مطالعات مهندسی مخزن) به پیمانکاران و سازندگان صاحب صلاحیت واگذار می‌گردد. انتخاب این پیمانکاران فرعی یا دست دوم طبق شیوه‌نامه‌ای که منضم به قرارداد است، توسط پیمانکار انجام و به ترتیب مقرر در بند (ت) همین ماده به تأیید کارفرما می‌رسد». انتخاب پیمانکاران فرعی یا دست دوم با رعایت قوانین و مقررات ایران، به ویژه قانون «حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر...» مصوب ۱۳۹۱ و طبق شیوه‌نامه‌ای که منضم به قرارداد است، توسط پیمانکار انجام و به تصویب کمیته مدیریت مشترک می‌رسد (نیکبخت؛ موسوی، ۱۳۹۴: ۶۱).



براساس رویه‌های هماهنگی، پیمانکار می‌بایست لیست شرکت کنندگان در مناقصه^۱ پیشنهادی خود را به همراه اسناد مناقصه^۲ را برای خدمات و کارهای بیشتر از نهمصد هزار دلار آمریکا برای کلیه قراردادهای فرعی برای تأیید به شرکت ملی نفت ایران ارائه دهد. اما برای مناقصه‌ها و خریداری کمتر از مبلغ مذکور طرفین باید از طریق رویه خرید کالا و خدماتی^۳ که از طرف پیمانکار جهت تأیید به شرکت ملی نفت ایران ارائه خواهد شد، اقدام نمایند. نکته حائز اهمیت این است که در قرارداد بیع متقابل کارفرما در هیأت مناقصه پروژه حضور داشته و تمامی مراحل مناقصه نظارت کامل دارد، در حالی که در قراردادهای جدید نفتی چنین ترتیبی پیش‌بینی نشده است.

در قراردادهای بیع متقابل نظر به اینکه سقف هزینه سرمایه‌ای^۴ بعد از انجام مناقصات فرعی بسته می‌شود، لذا منطقی است که کارفرما نظارت و دقت بیشتری برای واگذاری قراردادهای فرعی داشته باشد. حضور نماینده کارفرما در جلسه گشایش پاکات و نیز بررسی روند برگزاری مناقصات و تأیید واگذاری قراردادهای فرعی از طرف کارفرما در مواردی که مبلغ قرارداد به حد خاصی می‌رسد همه در جهت کنترل هزینه سرمایه‌ای و کیفیت اجرای کار خواهد بود.

۵- نظارت بر استفاده از توان و کار داخلی

استفاده از این توان تولیدی داخل که به سیاست‌های توان داخلی^۵ معروف می‌باشند، در جهت محدودیت و ممنوعیت از واردات برخی اقلام در راستای دخالت مستقیم دولت در پروژه‌های نفت و گاز اعمال می‌گردد (Silvana Tordo, Michael Warner, Osmel, Manzano, Yahya Anouti, 2013: xi). در همین راستا، در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۸ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی جایگزین «قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها»

- 1- Approved Vendor List
- 2- Approval of call for tender documents
- 3 - Procurement Procedure
- 4 - Capital Costs (CAPEX)
- 5 - Local Content Policies (LCP).



در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم گردید. مطابق با ماده ۵ قانون مذکور، به منظور حمایت از کالا و خدمات تولیدی کشور، پیمانکاران داخلی و تعمیق ساخت داخل در کشور: الف- از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، ارجاع کار توسط دستگاه‌های موضوع ماده (۲) این قانون صرفاً به موسسات و شرکتهای ایرانی ثبت شده در فهرست توانمندی‌های مندرج در سامانه ماده (۴) این قانون مجاز است. در غیر این صورت و نیاز به استفاده از مشارکت ایرانی-خارجی (با سهم شرکت ایرانی حداقل پنجاه و یک درصد (۵۱٪)) ارجاع کار با پیشنهاد بالاترین مقام دستگاه اجرائی و تصویب هیأت نظارت موضوع ماده (۱۹) این قانون مجاز خواهد بود. در موارد خاص که ارجاع کار به شرکتهای ایرانی و یا مشارکت ایرانی-خارجی (با سهم شرکت ایرانی حداقل پنجاه یک درصد میسر نباشد، با پیشنهاد بالاترین مقام دستگاه موضوع ماده (۲) این قانون با ارائه مستندات لازم پس از تصویب در شورای اقتصاد، ارجاع کار به مشارکت ایرانی-خارجی (با سهم شرکت ایرانی کمتر از پنجاه و یک درصد و یا شرکت خارجی بلامانع خواهد بود).

در قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی مصوب ۱۳۹۸ تعریف روشنی از سهم داخل ارائه نشده است. مطابق با قانون مذکور محصول داخلی عبارت از کالا یا خدماتی که از طریق طراحی متخصصان ایران یا به طرق مهندسی معکوس یا انتقال دانش فنی و فناوری آن به منظور ایجاد ارزش افزوده می‌باشد. همچنین، این قانون اصلاح عمق ساخت داخل را وارد ادبیات حقوقی و قانونی نمود که در تعریف آن آمده است: میزان سهم عوامل تولید و نهاده‌های به کار رفته در فرآیند ساخت محصول داخلی که در قلمرو جغرافیایی کشور ایجاد شده باشد. در قرارداد بیع متقابل حداکثر استفاده از سهم داخلی^۱، ارزش کامل کارها و خدمات انجام شده یا فراهم شده توسط اشخاص حقیقی ایرانی یا شرکتهای ایرانی و یا سهم ایرانی مشارکت با شریک ایرانی تعریف شده است.^۲

1- Maximum Utilization of Iranian Content.

2- Definition of Iranian Content (IC): The full value of the works and services done or provided by (i) Iranian natural persons, (ii) Iranian companies, and (iii) Iranian equity in joint ventures/participation agreement/local partnership as per of this Project is fully counted as Iranian content.



تبصره ۲ بند ب ماده ۵ قانون مذکور مقرر داشته است: «نصاب حداقل استفاده از ارزش محصولات داخلی در این قانون پنجاه و یک درصد (۵۱٪) تعیین می‌شود و این نصاب سالانه و برای حوزه‌های مورد نظر متناسب با ارتقای توان داخلی به پیشنهاد هیأت نظارت و تصویب شورای اقتصاد قابل افزایش است.» مطابق با این تبصره ۵۱ درصد مقرر برای حداقل استفاده از محصولات داخلی می‌تواند در بخش‌های مختلف با نظر هیأت نظارت و تصویب شورای اقتصاد افزایش یابد. با توجه به اینکه، پیمانکار در قراردادهای بیع متقابل و همچنین قراردادهای جدید نفتی ایران ملزم به رعایت قوانین موجود در زمینه استفاده از سهم داخل شده است، تصویب درصد بیشتری از میزان مقرر پیمانکار را متعهد به آن خواهد نمود.

ماده ۲۴ قراردادهای بیع متقابل ایران به استفاده از حداکثر سهم داخلی یا ایرانی اختصاص دارد. مطابق با این ماده، پیمانکار ملزم است طبق قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، به منظور حداکثر استفاده از سهم داخلی، تمهیدات و تدارکات لازم جهت تأمین تجهیزات، مواد و خدمات را مطابق ضمیمه N فراهم کند. با وجود این حداقل بهره‌برداری از سهم داخلی نباید کمتر از پنجاه و یک درصد (۵۱٪) سقف هزینه‌های سرمایه‌ای باشد. همچنین، پیمانکار ملزم است هر سه ماه یکبار میزان بهره‌برداری از سهم داخلی را به شرکت ملی نفت ایران گزارش کند. اگر پیمانکار بطور کامل یا بصورت جزئی نتواند چنین تمهیدات و تدارکاتی را فراهم کرده و به سهم داخلی کمتر از پنجاه و یک درصد دست یابد، شرکت ملی نفت ایران حق دارد تا میزان پنج درصد از حق الزحمه پیمانکار را در قبال میزان دست نیافته از سهم داخلی را کاهش دهد. در قراردادهای بیع متقابل با ضمیمه N کمیته مدیریت مشترک می‌بایست در اولین جلسه بعد از موثر شدن قرارداد کمیته فرعی مشترک حداکثر استفاده از سهم داخلی منابع^۱ را تشکیل دهد. این کمیته می‌بایست درصد هزینه‌های سرمایه‌ای لحاظ شده برای سهم داخلی را کنترل نماید. این کمیته به طور فصلی جلسه برگزار می‌نماید. کمیته مذکور به ماهیانه گزارش مالی و فیزیکی حداکثر استفاده از سهم داخلی محقق شده در مقابل حداکثر استفاده از سهم داخلی برنامه‌ریزی شده را به کمیته مدیریت مشترک ارائه می‌دهد. این گزارش باید در بردارنده مقایسه بین برنامه و حداکثر استفاده از سهم داخلی بدست آمده واقعی و توجیه آن باشد.



در صورتیکه پیمانکار به بیشتر از پنجاه و یک درصد از سهم داخلی که متعهد آن می‌باشد، دست یافت، پیمانکار مستحق دریافت پاداش به میزان پنج درصد از میزان اضافی دستیابی به سهم داخلی در سقف نرخ بازگشت سرمایه قراردادی خواهد بود.

شرط الزام به سهم داخل شامل، استخدام، توسعه توانایی منابع انسانی، پیمان‌های فرعی از طریق پیمانکاران داخلی، تأمین تجهیزات و خدمات از داخل کشور می‌باشد. طراحی مدل یا طرح استراتژیک جهت ارتقا الزام به سهم داخل در راستای برنامه توسعه ملی پایدار باید با مراجعه به عرف‌های موجود بین‌المللی و تجربه کشورهای دیگر مورد استفاده قرار گیرد (Jiyad, 2014, 22-24). بانک جهانی در گزارشی با عنوان سیاست‌های سهم داخل در بخش نفت و گاز رویه‌های کشورهای فعال در حوزه نفت و گاز را در دو بخش تأمین تجهیزات/خدمات/تولیدات از داخل کشور و ارتقای توانمندی تولید داخل و ارتقای توانمندی نیروی انسانی و استفاده از آن خلاصه کرده است (Tordo, Silvana and others, 2013:47). به طور کلی می‌توان گفت کارفرما با اعمال دقیق و صحیح الزامات مربوط به الزام به حداکثر سهم داخلی علاوه بر کمک به رشد اقتصاد و توان تولیدکنندگان داخلی منجر به ارتقاء توان فنی و علمی نیروی انسانی و انتقال تکنولوژی خواهد شد. ماده ۴ مصوبه هیأت دولت در خصوص شرایط عمومی قراردادهای بالادستی نفت مقرر داشته که جهت انتقال و ارتقای فناوری در حوزه عملیات بالادستی نفت و اجرای طرح‌های بزرگ و توانمندسازی شرکت‌های ایرانی برای اجرای پروژه‌های بزرگ داخلی و حضور در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی در هر قرارداد بر حسب شرایط شرکت یا شرکتهای ایران اکتشاف و تولید که صلاحیت آنها طبق ضوابط و شرایطی که وزارت نفت ابلاغ می‌کند به تأیید شرکت ملی نفت ایران می‌رسد به عنوان شریک شرکت یا شرکت‌های معتبر نفتی خارجی حضور دارد و با حضور در فرآیند اجرای قرارداد، امکان انتقال و توسعه دانش فنی و مهارت‌های مدیریتی و مهندسی مخزن به آنها میسر می‌گردد. طرف دوم قرارداد موظف به ارائه برنامه انتقال و توسعه فناوری به عنوان بخشی از برنامه مالی عملیاتی سالانه می‌باشد. به کارگیری شریک ایرانی علاوه بر انتقال تکنولوژی و ایجاد اشتغال و افزایش توان فنی و تجربی نیروی انسانی به نوعی تحقق سیاست‌های حداکثر استفاده از توان داخل را نیز تسهیل می‌نماید.

بند «ب» ماده ۴ مصوبه مذکور صراحتاً طرف دوم قرارداد را ملزم به حداکثر استفاده از توان



فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور بر اساس قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیاتهای مستقیم- مصوب ۱۳۹۱- و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های مربوطه است. همانطور که اشاره شد، قانون مذکور جای خود را به قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی مصوب ۱۳۹۸ داده است و اگرچه در قراردادهای منعقد شده نام قانون سابق آمده، لیکن عنوان قانون موضوعیت نداشته و از آنجا که قانون اخیر جایگزین قانون سابق گردیده است، برای طرف دوم یا پیمانکار لازم‌الاتباع خواهد بود.

۶- نظارت بر رعایت مقررات حفاظت از محیط زیست

انجام عملیات نفتی بخش‌های عظیمی از محیط زیست را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. فعالیت‌های نفتی در هر نقطه از جهان، چه دریا و چه در خشکی، حتی اگر مقررات و استانداردهای زیست‌محیطی را نیز رعایت کند، باز به سهم خود اثرات جبران‌ناپذیری بر محیط زیست و منابع طبیعی بر جای خواهد گذاشت. از جمله آثار زیانبار عملیات نفتی می‌توان به لرزه‌نگاری، حفاری چاه‌های متعدد، استفاده از گل حفاری (مصدق، ۱۳۸۲: ۵۶) و آلودگی هوا، افزایش گازهای گلخانه‌ای مانند نشت مواد آلوده‌کننده، آتش‌سوزی و بسیاری از پیامدهای اجتماعی و آلودگی‌های زیست‌محیطی نام برد. گازهایی که در فرآیند توسعه و تولید میادین نفتی در فضا منتشر می‌گردد، از جمله شامل اکسید نیتروژن، دی‌اکسید سلفور، منو اکسید کربن، سولفید هیدروژن می‌باشد که سلامتی انسانها و حیوانات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (Oil and Gas Accountability Project Group, 2004: 47)

اصولاً در قراردادهای نفتی از طریق ارجاع به قوانین ملی و زیست‌محیطی، یا ارجاع به استانداردهای بین‌المللی و یا از طریق ارجاع به قوانین ملی و استانداردهای بین‌المللی صنعت نفت و گاز و یا ایجاد استانداردهای زیست‌محیطی خاص پیمانکار ملزم به رعایت مقررات و استانداردهای لازم جهت حفاظت از محیط زیست می‌گردد (Tiernhaara, Kyla, 2013): 16).

در قراردادهای بیع متقابل پیمانکار متعهد به رعایت قوانین و مقررات داخلی، ملی و بین‌المللی و استانداردهای مرتبط با حفاظت از محیط زیست می‌باشد. در صورتی که پیمانکار



از پیروی قوانین و مقررات مذکور قصور نماید و قصور یا تخلف پیمانکار منجر به خسارت به محیط زیست گردد، پیمانکار می بایست اقدامات ضروری و متعارف را برای جبران تبعات قصور خود انجام دهد. هر گونه هزینه ای برای انجام اقدامات جبرانی به عهده پیمانکار بوده و شرکت ملی نفت ایرن تعهدی نسبت به بازپرداخت آنها نخواهد داشت. در فرمت قرارداد جدید نفتی ایران نیز همین ضمانت اجرا قید شده است.^۱

قانون اساسی ایران در اصل ۵۰ حفاظت از محیط زیست را وظیفه همگانی دانسته و فعالیت هایی که همراه با آلودگی و تخریب محیط زیست باشد را ممنوع اعلام کرده است. در این اصل آمده است: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می شود. از این رو، فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.» قانون نفت و گاز مصوب ۱۳۶۶ در ماده ۷ وزارت نفت را ملزم به همکاری با سایر سازمان ها جهت نظارت و مراقب و صیانت از ذخایر نفت و حفاظت از منابع و ثروت های طبیعی و جلوگیری از آلودگی محیط زیست نموده است. در این ماده آمده است: «وزارت نفت مکلف است در جریان عملیات نفتی ضمن برنامه ریزی های صحیح نظارت و مراقبت کامل جهت صیانت ذخایر نفتی و حفاظت منابع و ثروت های طبیعی و تأسیسات و جلوگیری از آلودگی محیط زیست (هوا، آب، خاک) با هماهنگی سازمان های ذیربط عمل کند.»

آیین نامه رفع آلودگی زیست محیطی فعالیت های نفتی مصوب سال ۱۳۸۸ نیز تعهداتی را برای شرکت های نفتی فعال در صنعت نفت مقرر داشته است. علاوه بر این قوانین خاص، مصوبه هیأت دولت در خصوص شرایط عمومی قراردادهای بالادستی نفت در بند «ح» ماده ۳ رعایت الزامات زیست محیطی را از تعهدات و وظایف طرف دوم قرارداد دانسته است.

1 - Article 14.5 - If the Contractor fails to comply with the ESHIA requirements, or contravenes the Law, and such failure or contravention results in any environmental, social, safety, security or health damage, the Contractor shall take all necessary measures to remedy and correct the failure and the effects thereof with the Approval of NIOC. All such remedial and corrective measures shall be at Contractor's own cost and shall not be recoverable as Petroleum Costs notwithstanding anything to the contrary in the Contract.



در قراردادهای اخیر بیع متقابل، پیمانکار موظف است با رعایت بالاترین استانداردهای ایمنی، بهداشت و محیط زیست، که در آینده نیز ممکن است ارتقاء پیدا کنند در خصوص ایمنی محیط کار برای پرسنل طرفین، پیمانکاران فرعی و عموم مردم فعالیت کند و به طور خاص علاوه بر رعایت قوانین و مقررات ملی، اطمینان حاصل کند که پرسنل اپراتور و پیمانکاران فرعی در این خصوص آموزش دیده‌اند و طبق شیوه‌های مطلوب صنعت نفت و استانداردهای ایمنی، بهداشت و محیط زیست عمل می‌کنند. تولید زباله و پسماند را به حداقل برساند و به روش مسئولانه از نظر زیست‌محیطی نسبت به دورریز این پسماندها اقدام کند. از نشت نفت و مواد شیمیایی جلوگیری کند و در صورت نشت به پاکسازی محل بپردازد. پیمانکار موظف است به طور دوره‌ای کارکنان ایرانی معرفی شده از سوی شرکت ملی نفت را تحت آموزش استانداردهای شناخته شده بین‌المللی در خصوص بهداشت، ایمنی و محیط زیست قرار دهد. در صورتی که پیمانکار با عدم پیروی از قوانین و مقررات و مندرجات قرارداد حاضر به آسیب زیست‌محیطی منجر شود، می‌بایست به هزینه خود به اقدامات جبرانی بپردازد و این هزینه‌ها به هیچ وجه بر عهده شرکت ملی نفت ایران نخواهد بود.

مشابه بند فوق در ماده ۳ مصوبه هیأت دولت در خصوص شرایط عمومی قراردادهای بالادستی نفت مقرر می‌دارد: «در تمامی قراردادهایی که بر اساس این تصویب‌نامه منعقد می‌گردند، اصول زیر حاکم می‌باشد: ... ح- انجام مطالعات ارزیابی زیست‌محیطی و رعایت مقررات و ملاحظات ایمنی، بهداشتی، زیست‌محیطی و اجتماعی در اجرای طرح‌ها...».

در مدل قرارداد جدید نفتی ایران ارزیابی اثرات زیست‌محیطی بر اساس روش ESHIA¹ است که این روش به ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، ایمنی، امنیتی، اجتماعی و بهداشتی می‌پردازد. بر اساس آن، پیمانکار موظف است قوانین و مقررات مربوط به استانداردهای زیست‌محیطی را در خشکی و فراساحل در سطح ملی و بین‌المللی رعایت کند و اقدامات احتیاطی لازم را برای اجرای قرارداد انجام دهد. پیمانکار موظف است عملیات نفتی را به روش‌های سازگار با محیط زیست و استانداردهای مربوط و با توجه به منافع نسل امروز و نسل‌های آینده انجام دهد. همچنین، پیمانکار موظف است شرایط حاکم را در خصوص مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی، انسانی، ایمنی و امنیتی

1 - Environmental, Safety, Security, Social and Health Impact Assessment (ESHIA)



جامعه محلی مستقر در ناحیه قرارداد و مناطق اطراف آن انجام دهد و اثرات مربوطه را به همراه روش‌های کاهش این اثرات و فعالیت‌های مرتبط با بازسازی محیط زیست منطقه در طرح مربوطه درج نماید (زین‌الدین؛ شاهمرادی، ۱۳۹۲:۲۳۰). تلاش‌های لازم برای جلوگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی و به حداقل رساندن آسیب‌ها و اثرات آن را بر اموال و افراد را انجام دهد. تمامی اقدامات لازم برای پیشگیری از صدمات و بیماری‌های ناشی از کار را انجام دهد.

۷- کمیته مدیریت مشترک

طرفین قرارداد بیع متقابل به منظور سرپرستی، رسیدگی، کنترل و نظارت بر عملیات نفتی (اعم از عملیات توسعه و یا تولید) از لحاظ فنی، مالی، بهره‌برداری، تجاری و مدیریتی و اطمینان از اینکه اجرای عملیات توسعه در راستای برنامه کاری و بودجه^۱ است و همچنین، رسیدگی و نظارت بر شرح فعالیت‌ها و خدمات و هزینه‌های ارائه شده از طرف پیمانکار و نظارت بر حسابداری هزینه‌ها و مخارج، بررسی، اصلاح و تأیید هر گونه تغییر در شرح خدمات، کار اضافی یا کار کاهش یافته در برنامه کلان توسعه^۲ کمیته مدیریت مشترک^۳ را ظرف ۳۰ روز پس از موثر شدن قرارداد تشکیل می‌دهند.

تعداد اعضای کمیته مشترک مدیریت ده نفر می‌باشد که هر کدام از طرفین پنج نفر در آن نماینده خواهند داشت. هر کدام از طرفین این حق را برای خود محفوظ دارند که بتواند اشخاص معرفی شده برای عضویت در کمیته مشترک مدیریت را در هر زمانی که صلاح بداند جایگزین نمایند. هر شخص دارای یک رأی می‌باشد. رئیس جلسه از بین اعضا یا نمایندگان پیمانکار انتخاب می‌شود. این ریاست کمیته هر سال به طرف مقابل منتقل خواهد شد. بنابراین، طبق این ماده سال اول بعد از موثر شدن قرارداد تا پایان اولین سال تقویمی یکی از نمایندگان پیمانکار ریاست کمیته مشترک را خواهد داشت. کمیته مدیریت مشترک به طور منظم هر سه ماه یکبار جلسه تشکیل می‌شود، مگر اینکه نیاز به تصمیم‌گیری در خصوص موارد فوری و اساسی باشد که در این صورت می‌تواند زودتر از موعد تشکیل جلسه داد.

- 1 - Work Program and Budget.
- 2 - Master Development Plan (MDP)
- 3 - Joint Management Committee (JMC)



پس از پایان سال، ریاست کمیته از بین نمایندگان شرکت ملی نفت انتخاب خواهد شد و به همین نحو ادامه خواهد داشت. دبیر کمیته به صورت چرخشی در برابر رئیس کمیته قرار خواهد داشت، بدین شکل که در سالی که رئیس از طرف کارفرما است، دبیر کمیته از طرف پیمانکار خواهد بود و به همین نحو ادامه حالت چرخشی خواهد داشت. حداقل هر دو ماه یکبار باید جلسه تشکیل شود. همه تصمیمات کمیته مشترک مدیریت با اتفاق رای اعضا حاضر در جلسه معتبر خواهد بود. اگر طرفین نتوانند به اتفاق نظر برسند، موضوع به مدیران ارشد ارجاع خواهد شد. در مواردی که طرفین از طریق کمیته مدیریت مشترک یا مدیریت ارشد خود نتوانند در مورد موضوعی به توافق برسند، کار و برنامه بودجه‌ای که اخیراً مورد تأیید قرار گرفته است، مبنای عملیات توسعه خواهد بود.

در قرارداد جدید نفتی ایران، مطابق با بند «ت» ماده ۸ مصوبه شرایط عمومی قراردادهای نفتی، در هر قرارداد کارگروه مشترک قرارداد تشکیل می‌شود که نظارت بر کلیه عملیات طرح را بر عهده داشته و تصمیمات فنی، مالی و حقوقی در چارچوب قرارداد، واگذاری پیمان‌های دست دوم و نیز برنامه مالی عملیاتی سالانه را اتخاذ می‌نماید. مسئولیت اجرای عملیات در چارچوب برنامه مالی عملیاتی مصوب بر عهده طرف دوم قرارداد می‌باشد. این کارگروه از تعداد مساوی نمایندگان طرف‌های اول و دوم قرارداد با حق رأی مساوی تشکیل می‌گردد. تصمیمات این کارگروه به اتفاق آرا می‌باشد و باید به تأیید مقام مجاز در شرکت ملی نفت ایران برسد. نکته مهمی که در این مصوبه آمده است و متفاوت از آنچه که در قراردادهای بیع متقابل ایران است، تأیید مقام مجاز در شرکت ملی نفت ایران است. به عبارت آخری، تصمیماتی که مطابق با شرایط مقرر در کمیته مشترک مدیریت اتخاذ می‌شود، حتماً باید به تصویب مقام مجاز در شرکت ملی نفت برسد تا قدرت اجرایی پیدا کند. تأیید تصمیمات کمیته مشترک توسط کارفرما می‌تواند منجر به تصمیمات سلیقه‌ای و به تبع آن تأخیر در تصویب و اجرای پروژه گردد. مقام مجاز چه کسی است، آیا وزیر نفت، مدیر عامل شرکت ملی نفت و یا شخص دیگری است همین موضوع می‌تواند در آینده ایجاد اختلاف نماید.

در نمونه قرارداد جدید نفتی ایران در تعریف «تأیید شرکت ملی نفت ایران» آمده است



تأیید کتبی مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران مطابق با اساسنامه آن یا شخص دیگری که به صورت کتبی از طرف مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران معرفی گردد. تأیید کتبی شخص مذکور در حدود اختیارات به منزله تأیید شرکت ملی نفت ایران خواهد بود.^۱

در ماده (۸) مدل قرارداد جدید ایران در خصوص کمیته مدیریت مشترک آمده است که طرفین ظرف ۲۱ روز از زمان موثر شدن قرارداد کمیته مدیریت مشترک را باید ایجاد نمایند. این کمیته تا پایان قرارداد ادامه خواهد داشت و تصمیمات این کمیته بر شرکت ملی نفت الزام آور نخواهد بود، مگر آنکه این تصمیمات به طور مجزا توسط شرکت ملی نفت ایران به تأیید برسد. وظایف و اختیارات کمیته مشترک مدیریت مربوط به عملیات نفتی مصرح در قرارداد از قبیل اصلاح و تعدیل برنامه توسعه، تولید و بهره‌برداری^۲، تصمیم‌گیری در خصوص برنامه بودجه و کار سالیانه و تجدید نظر در آن، نظارت بر هزینه‌های نفتی، هزینه‌ها، نظارت بر الزام به سهم داخل و میزان انجام تعهد پیمانکار در این حوزه، نظارت بر تعهد پیمانکار مبنی بر انتقال تکنولوژی، ایجاد کمیته‌های فرعی، بازنگری و بررسی در خصوص صورت وضعیت بازپرداخت هزینه هر فصل و حق الزحمه و نیز صورت وضعیت آینده می‌باشد.

نتیجه‌گیری

قراردادهای بالادستی نفتی ایران شامل قرارداد بیع متقابل و قراردادهای جدید نفتی موسوم به «آی پی سی»^۳ می‌باشد که در دسته قراردادهای خدماتی یا سرویس^۴ جای دارند. پیمانکار یا شرکت بین‌المللی نفت در قراردادهای خدماتی برخلاف قراردادهای امتیازی و مشارکت در تولید هیچ حقی بر میادین و مخازن نفتی ندارد و صرفاً متعهد به انجام فعالیتهای اکتشاف،

1 - "Approval by NIOC" or "Approval of NIOC" means the written approval of the managing director of NIOC in accordance with NIOC's Statute, or in the event that another person is specifically authorized in writing by the managing director in accordance with NIOC's Statute, the written approval of such person so authorized and "Approved by NIOC" or "Approved" shall be construed accordingly;

2 - Development and Production Operation Plan

3 - Iranian Petroleum Contract (IPC)

4 - Service Contract



توسعه و تولید و هزینه‌های آنها است. پس از انقلاب اسلامی و با تأخیر بیش از ده سال کشور ایران اقدام به استفاده از قرارداد بیع متقابل جهت توسعه میادین نفتی خود نمود. قراردادهای بیع متقابل مبتنی بر اصول حاکم بر قانون اساسی ایجاد شد و تا کنون نیز ادامه دارد.

نظارت کارفرمایی در قراردادهای بیع متقابل علی‌رغم بسته بودن سقف هزینه‌های سرمایه‌ای، شامل، حسابرسی هزینه‌ها، کنترل قراردادهای پیمانکاران فرعی و نحوه واگذاری آنها، نظارت بر حداکثر استفاده از سهم داخل، حضور تیم کارفرما در کمیته مدیریت مشترک و کمیته‌های فرعی آن، بررسی کیفیت خدمات، تجهیزات و بهای آنها، بررسی صورت حساب‌ها و هزینه‌های مربوطه و ارائه شده از طرف پیمانکار، پیمانکاران فرعی و حصول اطمینان از کیفیت خدمات، تجهیزات و مواد استفاده شده در عملیات توسعه و فعالیتهای بهره‌برداری و انطباق آنها با استانداردها و الگوهای بین‌المللی صنعت نفت است. قراردادهای بیع متقابل سالها برای توسعه میادین نفتی کشور ایران بکار گرفته شده است. شرکتهای بزرگ نفتی دنیا کاملاً با مفاد قراردادهای خدماتی ایران آشنا بوده و در طول این سالها تغییراتی نیز در متن قراردادهای در راستای حفظ منافع کارفرما و سرمایه‌گذار صورت گرفته است.

با توجه به طولانی بودن مدت قراردادهای جدید نفتی و باز بودن سقف هزینه‌ها سرمایه‌ای و واگذاری امر تولید و بهره‌برداری به پیمانکار لازم است جهت جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی در سطوح پایین و پیمانهای فرعی نظارت کارفرما در تمامی مراحل واگذاری اعم از ارزیابی کیفی، فنی، مالی تا تأیید لیست پیمانکاران و واگذاری پیمان تحت نظارت شرکت ملی نفت ایران باشد. در ضمن نظارت بر رعایت سهم داخل، حفاظت از محیط زیست و تولید سیانتی و جلوگیری از صدمه به مخازن نفتی از موارد مهمی است که حساسیت نظارت کارفرمایی برای قراردادهای جدید نفتی ایران را بیش‌تر از بیع متقابل می‌کند.

تشکر و قدردانی

نگارندگان از کلیه مسئولان، اعضای هیئت تحریریه، هیئت داوران، عوامل اجرایی و ویراستاری فصلنامه که در پذیرش، داوری و چاپ این اثر، دلسوزانه همکاری داشتند، صمیمانه تشکر و قدردانی به عمل می‌آورند.



منابع فارسی:

- خالقی، شهلا (۱۳۹۴). *بیع متقابل در صنعت نفت و گاز ایران*، انتشارات شرکت هزاره سوم اندیشه.
- درخشان، مسعود (۱۳۹۲). «ویژگی های مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی-تاریخی به عملکرد قراردادهای نفتی در ایران»، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال سوم.
- زین الدین، سید مصطفی؛ شاهمرادی، عصمت (۱۳۹۴). «مطالعات حقوق انرژی»، شماره ۲، ۲۳۰.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۹). *حقوق اقتصادی*، انتشارات سمت.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۸). *حقوق تجارت بین الملل*، انتشارات سمت.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳). *حقوق نفت و گاز*، نشر میزان، چاپ اول.
- شیروی، عبدالحسین؛ ابراهیمی، سید نصراله (۱۳۸۸). *اکتشاف و توسعه میادین نفتی ایران از طریق قراردادهای بیع متقابل*، ترجمه مجتبی اصغریان، «مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری» شماره ۴۱.
- مصدق، احمد (۱۳۸۲). *تخریب محیط زیست جهانی و آینده آن*، انتشارات علوم کشاورزی، چاپ اول.
- نیکبخت، حمیدرضا و موسوی، سید حسن (۱۳۹۴). *اصول و ساختار الگوی جدید قراردادهای نفتی ایران*، تحقیقات حقوقی.

منابع انگلیسی:

- B Strong, Christopher (2016). **The Oil & Gas Law Review**, fourth edition, law business research Ltd, UK.
- Cameron, Peter D AND Michael C. Stanley, (2017). **Oil, Gas and Mining** (a sourcebook for understanding the extractive industries, World Bank Group.
- Fee, Derek, (1985). **Oil & Gas Data book for developing countries with special reference to the ACP countries**, published by Graham & Trotaman Limited Sterling House, London.
- Jiyad, Ahmed Mousa (2014). **Legal, Fiscal and Regulatory Frameworks Governing Upstream Petroleum in Iraq**.



- Tordo, Silvana and others (2013). **Local Content Policies in the Oil and Gas Sector**, The world Bank.
- Oil and Gas Accountability Project Group (2004). **Oil and Gas at your Door?**, Oil and Gas Accountability Project.
- Rouzaut, Nadine Bret and Pierre Favennec, Jean (2011). **Oil and Gas Exploration and Production Reserves, Costs, Contracts**, third edition, Editions Technip, Paris.
- Silvana Tordo, Michael Warner, Osmel Manzano, Yahya Anouti, (2013). **“Local Content Policies in the Oil and Gas Sector”**, a World Bank Study, World bank.
- Tiernhaara, Kyla, (2013). **Unilateral Commitments to Investment Protection: Does the promise of Stability Restrict Environmental Development?** In: Sauvant, Karl P.(ed.), Yearbook on International Investment Law & Policy 2011-2012, Oxford University Press.
- Tordo, Silvana and others (2013). **Local Content Policies in the Oil and Gas Sector**, The world Bank.